

تداوم حافظه



عادل موسی‌زاده

بخش هفتم | اگر دو داستانی را که صحبت‌شان پیش کشیده شد خوانده باشید، یعنی «یک مسئله موقت» از جومپا لاهیری و «نقشبندان»، شاهکار هوشنگ گلشیری، به خوبی متوجه اهمیت گذشته، کارکرد دراماتیک آن و کارکرد عاطفی‌اش شده‌اید. بانگاهی مبتنی بر تکنیک، شیوه‌ارائه‌گذشته‌و نحوه‌فلش‌بک‌زدن در هر دو داستان را بررسی کردیم. و نیز این را که چگونه گذشته در ذهن شخصیت هاتداوم یافته ولحظه حالشان را تحت الشعاع قرار داده است.

حالا، از بین سه برهه زمانی داستان، می‌رسیم به «حال». ابتدای امر و به عنوان موضوعی مهم‌تر از هر موضوع دیگر، باید کارکرد دراماتیک حال را در داستان بسنجیم. لحظه حال و موقعیت فعلی شخصیت‌ها در داستان، قبل از هر چیز، باید سؤال برانگیز باشد و عدم تعادل ایجاد کند. این وضعیت باعث کنجکاوی و پیگیری مخاطب می‌شود. باعث می‌شود در گذشته شخصیت‌ها کندوکاو کند تا براساس کارکرد دراماتیک گذشته به انگیزه‌های شخصیت‌ها پی ببرد. برای همین است که نویسنده باید در طراحی «وضعیت فعلی» شخصیت‌ها تبحر داشته باشد. برای مثال، در هر دو داستانی که بررسی شد، یک زوج داریم که رابطه‌شان دچار سردی و افول شده است. این یعنی وضعیت طبیعی یک زوج از تعادل خارج شده، و حالا من مخاطب این سؤال برابم ایجاد می‌شود که چرا چنین اتفاقی برای آن‌ها افتاده، و از میان توصیفات و توضیحات داستان به دنبال آن نقطه‌ها و حوادثی می‌گردم که چنین وضعیتی را رقم زده‌اند. در «نقشبندان»، یک معلم بازنشسته، که از کامل‌کردن نقاشی‌اش عاجز است و در تنهایی زندگی می‌کند، این سؤال را در من برمی‌انگیزاند که این زنی که قرار است نقاشی شود کیست، و چرا او باید نقاشی شود. خانواده‌این مرد کجایند؟ چه اتفاقی برای آن‌ها افتاده و چه چیزی آن‌ها را از هم دور کرده است؟ پیدا کردن سرخ‌هایی که من را به جواب برساند همان چیزی است که نویسنده می‌خواهد. اینکه من آن سرخ‌ها را به سرانجام برسانم، روایت داستان را درک کنم و بتوانم نماد‌هایش را رمزگشایی کنم. شاید برای همین است که مارکز می‌گوید (نقل به مضمون) «گاهی اوقات، نقطه شروع داستانم را جایی بسیار نزدیک به پایان انتخاب می‌کنم». چنین انتخابی بسیار هوشمندانه است.

اگر ماجراهای تشکیل دهنده یک داستان را شبیه به یک توده در نظر بگیریم و مجموعه کلمات متن داستان را محوری از نقطه آ (شروع) تا نقطه ب (پایان)، آن‌گاه، با جلوبردن نقطه آ روی محور فرضی روایت، می‌توانیم کاری کنیم که وضعیت فعلی داستان با این برش نامتعادل‌تر شود. در عین حال، با جلورفتن آ و نزدیک شدن آن به نقطه پایان، بخشی از ماجراها تبدیل به گذشته شخصیت‌ها می‌شوند (که با توجه به مباحث گذشته می‌دانیم 'Backstory' داستان را برای ما می‌سازند). همین‌ترفند کمک می‌کند تا موقعیتی غنی با پتانسیلی بسیار بالا بسازیم. یکی از شاخص‌ترین نمونه‌های طراحی با این روش را می‌توان در داستان «تپه‌های چون فیل‌های سفید» از همینگوی پیدا کرد. در آنجا، یک زن و مرد داریم که مشغول صحبت‌اند -همین قدر ساده. کم‌کم متوجه می‌شویم که نارضایتی خاصی بین آن‌ها موج می‌زند که سعی دارند حلش کنند. ولی اوضاع عاطفی بینشان مدام بدتر می‌شود. این گفت‌وگو چند دقیقه‌ای بیشتر طول نمی‌کشد، و داستان در یک برش کوتاه اتفاق می‌افتد. همین وضعیت را می‌توانیم در داستان یک مسئله موقت» هم ببینیم. در این داستان، راوی، به جای آنکه تمام قضیه را از ابتدا تعریف کند و باروده‌درازی‌های بی‌پایان توضیح دهد که هم زمانی جریان زایمان شوبا و جلسه کاری شوکومار چگونه باعث آسیب به آن‌ها شده است، نقطه شروع متن را جایی در میانه‌های محور فرضی ماجراها می‌گذارد.

پس همیشه بین نقطه شروع ماجراها و نقطه شروع متن تمایز قائل شوید.

با احترام تمام به آبر کامو، نویسنده فیلسوف.

سیدعباس صالحی:

دوباره در میراث عطار تأمل کنیم



وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی، به مناسبت روز بزرگداشت شیخ فریدالدین عطار نیشابوری، پیامی صادر کرد. در بخشی از پیام سیدعباس صالحی آمده است:

«۲۵ فروردین، روز بزرگداشت شیخ فریدالدین عطار نیشابوری، شاعر، عارف و روایت‌پرداز سترگ عرفان ایرانی- اسلامی، فرصتی است مغتنم برای تأمل دوباره در میراثی که از ژرفای دل سوخته و جان شوریده این مرد الهی به یادگار مانده است. گنجینه‌ای که همچون چشمه‌ای زلال همچنان در دل کویر تشنگی‌های انسان معاصر جوشان و نوشان است.

عطار، این نگین حکمت و عرفان، با نقّسی قدسی، رازهای ناگفته جان آدمی را در قالب روایت‌ها و حکایاتی سرشار از معنا و تمثیل به تصویر کشید.

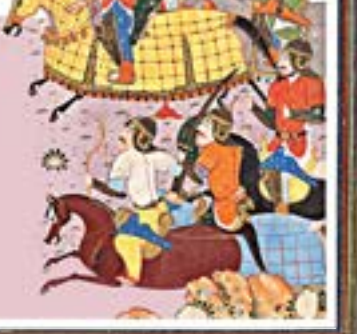
در 'منطق الطیر' پرواز بلند مرغان طالب حقیقت حکایت سالکان راه است که از خود عبور می‌کنند تا به سیمرغ وجودی خویش برسند. و در 'تذکره‌الاولیایان'‌های سوخته‌ای را به تصویر می‌کشند که به مهر الهی سوخته‌اند و در جذبه حقیقت فنا یافته‌اند.

آثار عطار، نه تنها گنجینه‌ای از حکمت و شهود عرفانی‌اند، بلکه میراثی هستند که نیاز امروز ما را به معنا، همدلی، و بازگشت به اصل انسانی خویش یادآور می‌شوند. در روزگاری که بشر گرفتار هیاهوی بی‌قرار ظواهر و دغدغه‌های پراکنده جهان مادی است، روایت‌های عطار راهی است به سوی بازگشت به ساحت روح. تأمل در خویشتن و جست و جوی حقیقتی فراتر از دیده‌ها و شنیده‌ها،

علی باقریان

به سان بزشکی پس ابلیس قُت^{۱۱}
به فرزانگی^{۱۲} نژد ضحاک رفت

بدو گفت کاین بودنی کار^{۱۳} بود
بمان^{۱۴} تا چه گردد نباید ذرود^{۱۵}



خورش^{۱۶} ساز و آرامشان دَه به خُرد^{۱۷}
ناید جز این چاره‌ای نیز کرد

جز از مغز مردم میدهشان خورش^{۱۸}
مگر^{۱۹} خود بمیرند از این پرورش^{۲۰}

۱- قُت: زود، به شتاب. ۲- به فرزانگی: چنان که گویی کاربلد است. ۳- بودنی کار: کارِ بودنی، امرِ مقدّر. ۴- بمان: واگذار، رها کن، زنده بگذار. ۵- نباید ذرود: نباید درو کرد، نباید سر از تن جدا ساخت. ۶- خورش: غذا. ۷- کلمهٔ «خورد»، را، تقریباً، هم آهنگ با «کرد» ادا می‌کرده‌اند. ۸- مگر: شاید، به امید آنکه. ۹- پرورش: خوراک. ۱۰- سر: سرور، بزرگ. ۱۱- نژده دیوان: دیوانِ نر (که زورمندترند). منظور از «سر نژده دیوان» ابلیس است که بزرگ‌ترین موجودات اهریمنی است. ۱۲- ابلیس از این جست وجو پی‌چه بود و در این گفت‌وگو چه منظور داشت؟

مروری بر انواع شعر انقلاب اسلامی

روحي تازه در کالبد شعر

نوید سرادر

هنر، در ذات خود، نسبتی انکارناشدنی با وضعیت سیاسی و اجتماعی زمانه دارد و درواقع آیینۀ عصری است که از آن سخن می‌گوید. این بازتاب را، در دوره‌هایی، حتی در سکوت هنر نیز می‌توان مشاهده کرد.

برخی پدیده‌ها تأثیر شگرفی روی جهان بینی افراد می‌گذارند. انقلاب‌ها از این دست محسوب می‌شوند، هر انقلابی، بسته به گستردگی و وسعت خود، تحولی را به همراه دارد. درانقلاب اسلامی، این دگرگونی، با توجه به عظمت آن، بروز ویژه‌ای پیدا کرد، چنان‌که می‌توان گفت با وقوع آن روح تازه‌ای در برخی هنرها، ازجمله شعر، دمیده شد.

در تمام اعصار، شعر یک عنصر پیش‌برنده در حرکت‌های اجتماعی بوده است. اما، در نسبت با حرکت مردمی‌ای که با رهبری امام خمینی^(ره) آغاز شد و -پس از آن- انقلاب اسلامی، عنصر شعر -و با نگاهی کلان‌تر حتی هنر- بیش از آنکه بخواهد روی پیروزی انقلاب اسلامی تأثیرگذار باشد از آن تأثیر پذیرفته است.

مردمی‌بودن حرکت انقلاب موجب شد هر فردی در تلاش باشد تا مگر دین خود را نسبت به آن ادا کند. این شوروشعف باعث شد دیگر در اشعار خبری از یأس و انجمادی که در سال‌های قبل در مضامین شعری موج می‌زد یافت نشود، کم‌کم، موضوعاتی که آمیخته با جوشندگی و خشم و صراحت بودند وارد دنیای شعری می‌شدند. بیان صریح و ساده و شعاری از ویژگی‌های شعر سال‌های منتهی به پیروزی انقلاب اسلامی و چند سالی پس از آن بود. شعر سیدحسن حسینی گواه این ویژگی‌هاست:
نام‌آوران تا نعره‌های خون‌کشیدند
خورشید را از قلب شب بیرون کشیدند
فریادشان شهدی شد و در جام حق ریخت
تکبیرشان چون نور در کام فلق ریخت
خفاش را پل پرواز بستند
با گرز ایمان گردن شب را شکستند
رابطه شعر و انقلاب در سال‌های آغازین حکومت اسلامی، در زمانی که هنوز شور مردمی نتخوایده بود، با شروع جنگ تحمیلی دگرپار بیشتر شد تا در پی شعر انقلاب موج دیگری تحت عنوان «دفاع مقدس» به راه بیفتند. نهالی که در اواسط دهه چهل پا گرفته بود در اشعار دفاع مقدس استواری خود را نشان داد، و از لحاظ کیفیت، با شعر قبل از پیروزی انقلاب فاصله‌ای معنادار گرفت.

دفاع مقدس نیز، همچون انقلاب اسلامی، با نمونه‌های مشابه خود تفاوتی ماهوی داشت. در ادبیات فارسی، «شعر جنگ» -به نوعی- بی‌سابقه بود. ایران در طول تاریخ بارها مورد هجوم واقع شده بود، اما هیچ‌گاه جریان مقاومت، آن‌چنان‌که در دفاع مقدس با ابعاد هویتی به وجود آمد، شکل نگرفته بود؛ این اولین باری بود که دفاع در سایه یک نظام مردمی بروز پیدا می‌کرد و البته موجی نو در شعر فارسی به راه می‌انداخت. جدای از این، تنوع موضوعی جنگ، چشم‌انداز وسیع‌تری را پیش‌روی شاعران برای سرودن قرار می‌داد. گستردگی طیف موضوعات شعر دفاع مقدس هم متأثر از همین مسئله بود.

جنگ تحمیلی، همچنین، دایره شاعران را نسبت به سال‌های قبل از پیروزی انقلاب وسعت بیشتری بخشید. برخی افراد که در سال‌های پیش از جنگ به دلایلی سکوت کرده بودند در برابر حمله

نظامی به کشور لب به سخن گشودند؛ ازجمله این افراد می‌توان به سیمین بهبهانی و مهدی اخوان ثالث اشاره کرد. اخوان، در سال ۱۳۶۱، در روزنامه «کبهان» شعری ناظر به دفاع مقدس منتشر کرد؛
گرچه می‌بافند بهر شیرها زنجیرها
بگسلند آخر همه زنجیرها را شیرها
این دلبران نکو با بد چه جنگی می‌کنند
این دلبران شیرها با تیر و با شمشیرها
موج دیگری که در بررسی شعر انقلاب باید از آن سراغ گرفت، در پی رحلت رهبر کبیر انقلاب، امام خمینی^(ره)، ایجاد شد. فراوانی اشعار در سوگ حضرت امام^(ره) چنان است که می‌توان از مصادیق آن به عنوان سومین موج شعر انقلاب اسلامی یاد کرد. در پی این واقعه، اشعاری سروده شد که برخی ماندگار شدند، از آن جمله، به چند بیت از شعر سهیل محمودی اشاره می‌کنیم:

زنده‌تر از تو کسی نیست چرا گریه کنیم؟
مرگمان باد و مباد آنکه تو را گریه کنیم
رفتنت آینه آمدنت بود ببخش
شب میلاد تو تلخ است که ما گریه کنیم
گوش جان باز به فتوی‌ات تو داریم بگو

با چنین حال بمیریم و یا گریه کنیم
پس از پایان جنگ تحمیلی و رحلت حضرت امام^(ره)، شعر انقلاب وارد دوره جدیدی شد. در این دوره، به اقتضای گذر از دوران جنگ، مسیر شعر انقلاب در سه گونه شعری اعتراضی، عاشقانه و آیینی بی گرفته شد.

در نهاییات، باید گفت که انقلاب اسلامی شعر را در حوزه شعر انقلاب و صوری دچار تحول کرد و موجی نو در این بستر به راه انداخت. برقرار کردن پیوند بی‌سابقه میان رویدادهای سیاسی و مفاهیم دینی، و همچنین احیای «دوباره قالب رباعی و مثنوی سرایی در اوزان بلند گواه این موضوع است.

مار یو بارگاس یوسا، نویسنده برنده نوبل، در ۸۹ سالگی از دنیا رفت

خاموشی یک عاصی



باشد. به ما یادآوری می‌کند که این دنیا دنیای بدی است و آنان که خلاف آن را وانمود می‌کنند، یعنی قدرتمندان و بخت‌یاران، به مادروغ می‌گویند. ونیز به یاد ما می‌آورد که دنیا را می‌توان بهبود بخشید. او، در نقد و تحلیلی که بر رمان «پیرمرد و دریا» نوشته، آورده است، «[سانتیاگو] درمی‌یابد که زندگی نبردی همیشگی است و آدمی، آن‌گاه که با شجاعت و متانت در این ستیز پای می‌گذارد، حتی اگر شکست بخورد، به عظمت اخلاقی می‌رسد و می‌تواند وجود خود را توجیه کند. از این روست که، وقتی سانتیاگو خسته و فرسوده با دست خون‌آلود به دهکده خود برمی‌گردد و اسکلت بی مصرف

آخرالزمان» و «روزگار سخت» نمونه‌های درخشانی از این دست آثار هستند. مقاله «چرا ادبیات؟» او دفاعی است از ادبیات و درباره اینکه چرا خودکامگان علیه ادبیات هستند. او در این مقاله نوشته است: «برای شکل بخشیدن به شهروندان اهل نقد که بازیچه دست حاکمان نخواهند شد و از تحرک روحی و تخیلی محروم نشمارد برخوردارند، هیچ راهی بهتر از مطالعه ادبیات خوب نیست. [...] ادبیات، جدا از آنکه نیاز ما را به تداوم بخشیدن به زبان و فرهنگ برآورده می‌کند، کارکردی بس مهم‌تر در پیشرفت انسان دارد. و آن اینکه در اغلب موارد، بی‌آنکه تعمّدی در کار



منابع

«پیرمرد و دریا (شجاعت مایه رستگاری است)»، نوشته مار یو بارگاس یوسا. ترجمه عبدا.. کوثری. مجله «جهان کتاب»، شماره ۲۰.

«چرا ادبیات؟»، نوشته مار یو بارگاس یوسا. ترجمه عبدا.. کوثری. انتشارات لوح فکر.